

نوآوری ، تجزیه و ترکیب اوزان عروضی در غزل معاصر (با تکیه بر شعر حسین منزوی)

دکتر مه دخت پور خالقی چترودی
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد
آمنه تاک
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده:

مقاله ی حاضر، با هدف کلی بررسی میزان نوآوری ، تجزیه و ترکیب اوزان عروضی در غزل معاصر با تکیه بر موسیقی شعر حسین منزوی تنظیم شده است، با توجه به این که منزوی شاعری نوآور در وزن و موسیقی بیرونی شعر است نخست با ارائه ی جدول و نمودار، اوزان پر کاربرد و جدید شعر او مشخص گردیده و سپس با ذکر شواهد ، تحلیل شده است. علاوه بر این با ذکر نمونه، میزان بهره وری شاعر از کیفیت و کمیت هجاها ، مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نیز با در نظر گرفتن آنچه گفته شده، به این نتیجه رسیده ایم که منزوی با کمک ترکیب و تجزیه ی افاعیل عروضی، شاعری مبدع و نوآور است اوزان جدید و کم کاربرد را با زبان نو و امروزی در هم آمیخته ،متصل کننده ی غزل سنتی به معاصر است و با بهره وری از کمیت هجاها و واج ها به غنای موسیقی شعرش افزوده است.

کلید واژه: غزل معاصر، اوزان جدید، حسین منزوی.

مقدمه:

برای آن که بتوانیم به مقصود سراینده ی کلام بیشتر نزدیک شده ،به درک و تحلیل جامع تری از شعر او دست یابیم، ناگزیر از دانستن برخی مقدمات و در نظر گرفتن پاره ای ملاحظات هستیم.

یکی از راههای رسیدن به این مهم، شناخت جنبه های مختلف موسیقی شعر، دریافت آهنگ کلام و اهمیت آن در القای مفهوم و آشکار ساختن عواطف و احساسات و روحیات و آشنایی با جهان پر رمز و راز و موسیقی از جان بر آمده ی شاعر است. آگاهی به قواعد عروض و قافیه، اشراف بر صنایع بدیعی لفظی و معنوی، گذشته از آن که برای کشف دقایق زیبا شناسی و موسیقی شعر ضروری است، تا حد زیادی برای دریافت و درک پیام شعر به خواننده، کمک می کند. با آن که شعر ناگزیر از عامل وزن نمی باشد و شعر بی وزن را بعضی شعر نمی دانند. دکتر شفیعی کدکنی وزن را اولین عامل تناسب در زنجیره ی آوایی می داند؛ عاملی که خود سبب ایجاد موسیقی می گردد. «وقتی مجموعه ی مورد بحث ما به لحاظ کوتاهی و بلندی مصوت ها و یا ترکیب صامت ها و مصوت ها از نظام خاصی بر خوردار باشند، نوعی موسیقی به وجود می آید که آن را وزن می نامیم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۶). وزن در شعر اولین گزینه ای است که توسط ذوق انسان ادراک می شود. انتخاب وزن مناسب گذشته از آن که بر خواننده و شنونده اثر می گذارد در سراینده و شاعر نیز مؤثر است. احساس وزن امری حسی و تجربی است.

با وجود اهمیت داشتن وزن در ساخت شعر و شناخت اوزان عروضی، متأسفانه دانشجویان و دانش پژوهان ما تمایل و توجه چندانی به شناخت علم عروض و اوزان شعر از خود نشان نمی دهند و همین عامل باعث گردیده است این علم پایه و تخصصی در میان پژوهش گران زبان و ادبیات فارسی تا حدودی به انزوا کشیده شود. به طوری که در نشریات و مجله های علمی و تخصصی رشته ی زبان و ادبیات فارسی کمتر شاهد مقاله های مرتبط به این علم هستیم. این پژوهش قصد دارد با تکیه بر تحقیقات میدانی میزان بهره وری، دخل و تصرف و نوآوری در اوزان عروضی شاعران این دوره را نشان دهد و با تکیه بر شعر حسین منزوی به تحلیل آماری و مقایسه پرداخته میزان موفقیت و توانایی شاعر را در چگونگی کاربرد اوزان عروضی بیان نماید؛ او را به عنوان یکی از شاعران نو آور و مبدع معاصر معرفی کند و همچنین به نقش به کارگیری اوزان عروضی در موفقیت یا عدم موفقیت غزل معاصر بپردازد.

به علاوه این مقاله با هدف شناخت اوزان عروضی به کار رفته در شعر شاعران معاصر، با بررسی شعر حسین منزوی به دلیل تنوع به کارگیری اوزان آغاز می شود و سعی ما بر آن است تا با استخراج و طبقه بندی اوزان، همچنین تحلیل و بررسی ابزار و امکانات بدیعی و آوایی به گوشه ای از جنبه های مختلف شعر او که از غزل سرایان بنام معاصر است، دست یابیم. حسین منزوی شاعر، نویسنده، مترجم و منتقدی است که به قول خودش، عمری برای ستایش عشق گلو پاره کرده و آن را هویت اصلی شعر خود می داند، عشقی که بر

جبین شعر و زندگی او همچون داغی می درخشد. (منزوی، ۱۳۸۷: ۹). این شاعر غزل پرداز معاصر، تقریباً از جمله شاعران توانا و گمنامی است که تا این زمان کمتر مورد توجه قرار گرفته، چه بسا خود زمان، معرف شعرش در آینده باشد. او معتقد است: «شعر اگر قادر باشد خود از خود دفاع خواهد کرد و خواهد ماند و گرنه از گردونه بیرون خواهد افتاد. بگذارید از شعرهای این دفتر نیز روزگار دفاع کند» (منزوی، ۱۳۸۴: ۲). این پژوهش اولین قدم، برای شناخت موسیقی شعر و همچنین مقدمه‌ای برای پژوهش‌های بعدی در زمینه‌ی شناخت جنبه‌های ادبی و فکری شاعر است. در میان شاعران معاصر کمتر از او نامی برده شده است، این در حالی است که اگر او در زمینه‌ی نوآوری و ابداع اوزان جدید پیشگام تر از سیمین بهبهانی و منوچهر نیستانی نباشد، حداقل با آنان همگام است.

۱- تعریف وزن:

هر عاطفه و احساس که در قالب زبان شعر ظهور یابد با وزن مناسب و هماهنگی می تواند تأثیرگذار باشد و القای معنی کند.

خواجه نصیر طوسی در معیار/الشعار آورده است «وزن هیأتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات و تناسب آن در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیأت، لذتی مخصوص یابد» (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۳: ۳). زرین کوب تعریف گسترده تری از وزن بیان می کند که شعر نیمایی را نیز در بر می گیرد. او وزن را جزء لاینفک شعر می داند و معتقد است «در شعر اگر بتوان از قافیه صرف نظر کرد، ظاهراً از وزن نمی توان . وزن که عبارت است از وجود نوعی نظم در اصوات کلام، به سبب خیال انگیزی که دارد حتی نزد منطقی‌ها هم جزو ماهیت شعر است» (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۹۴). در این تعریف، وزن نوعی نظم در اصوات تعریف شده است. تناسبی که حاصل از تلفظ کلمات است. همه آنچه گفته شد ما را به میزان اهمیت وزن شعر یا شعر وزن دار در میان اشعار پارسی رهنمون می شود، آن گونه که ضرورت وزن را نمی توان انکار کرد و در باب اهمیت وزن همین بس که در تعریف شعر گفته اند: «سخن موزون خیال انگیز». او وزن را در قالب احساسات شاعرانه‌ی خویش این گونه به نظم می کشد.

وزن

چه وزنی دارد شب

از پا نمی نشینم

تا مصراع‌ی از سکوت و
 مصراع‌ی از هیاهو نگیرم و
 در غریب‌ترین بحری که
 آسمان و زمین
 به یاد دارند
 بازش نسرایم
 گذر کند شبانه‌ی شهرپور آیا
 برای شعرم وزن مناسبی است
 یا ضربان تند دندان‌هایی که
 از شدت سرما
 به هم می‌خورند
 (منزوی، ۱۳۸۵: ۷۰)

۲- موسیقی شعر

موسیقی پدیده‌ای ذاتی و فطری در وجود آدمی است. با این وجود هیچ ملّتی از آن بی بهره نیست. بشر از دیر باز به زمزمه و نجوای آهنگ‌های بدون تفکر و تأمل در خلوت خود می‌پرداخته است؛ نجوایی که ذاتی‌اند و از حالات و غم و اندوه درونی او حکایت دارد.

در واقع آن چه انسان را به سوی موسیقی می‌کشاند، همان جذبه و کششی است که او را به سوی سرودن شعر و لذت بردن از آن رهنمون می‌سازد. از این مطلب به رابطه‌ی شعر و موسیقی پی می‌بریم. شعر در واقع همان موسیقی الفاظ و کلمه هاست و غنا نیز موسیقی الحان و لذت از آهنگ کلمات است. حکمای یونان بر این باورند که «منشأ پیدایش شعر تقلید و لذت حاصل از تعلّم و دانش آموزی است» (ارسطو، ۱۳۳۷: ۲۵).

منظور از موسیقی بیرونی شعر، که باعث ایجاد آهنگ و موسیقی کلام و زیبایی آن گردیده وزن عروضی است که در زبان فارسی بر اساس کمیّت هجاهاست، همان چیزی که ما با خواندن اشعار گوناگونی که جان و روان آدمی را نوازش می‌دهد، احساس لذت می‌کنیم. وزن به شعر زیبایی می‌بخشد و آن را شورانگیز می‌کند. پس علاوه بر معنا و موسیقی، آهنگی در شعر وجود دارد که همان وزن است و ما آن را به عنوان موسیقی بیرونی می‌شناسیم.

دکتر شفیع کدکنی نیز می‌نویسد: «منظور از موسیقی بیرونی شعر، جانب عروضی وزن شعر است که بر همه‌ی شعرهایی که بر یک وزن سروده شده‌اند، قابل تطبیق است» (شفیعی کدکنی: ۱۳۸۵، ۳۹۱).

۳- بررسی اوزان عروضی در شعر حسین منزوی

شعر حسین منزوی به دلیل ابداعات و نوآوری شاعر در اوزان عروضی قابل بحث و بررسی است. برای آشنایی بیشتر، با موسیقی بیرونی شعر منزوی به تحلیل آماری اوزان به کار رفته در شعر او پرداخته، علاوه بر این، چگونگی بهره‌گیری شاعر از کیفیت و کمیت هجاها، به کارگیری اوزان متعارف و نامتعارف، پسندیده و ناپسند، ابداعات شاعر در زمینه‌ی خلق اوزان جدید، چگونگی ارتباط وزن و محتوا و حتی اختلالات وزنی - به کمک نمودار و جدول - مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- اوزان پسندیده و ناپسند

هر شاعری متناسب با اندیشه و شرایط زندگی خود به استفاده از اوزانی خاص تمایل نشان می‌دهد. اوزانی را می‌پسندد که بیشتر، با حال و هوای روحی و عاطفی او مناسب باشد. تنوع موسیقایی اوزان به کار رفته در اشعار منزوی، نشان از این دارد که شاعر در انتخاب وزن کاملاً مهارت داشته، با آگاهی و آشنایی کامل به موسیقی بیرونی شعر، وزن‌های مناسب را برای بیان مفاهیم ذهنی خود برگزیده است.

با مقایسه و نگاهی اجمالی به جداول زیر و توجه به ارکانی که در این اوزان به کار رفته، پی می‌بریم، وزن‌هایی چون فاعلاتن و مفاعیلن و مستعلن، که در آن‌ها هجاهای بلند نسبت به هجاهای کوتاه بیشتر است و نسبت یک چهارم، بین هجاهای کوتاه و بلند وجود دارد، بیشتر تکرار شده و بیشتر مورد استفاده‌ی شاعر، قرار گرفته است.

جدول شماره ی ۱ اوزان بلند، متوسط، کوتاه

الف) اوزان بلند :

وزن	نام عروضی	میزان کاربرد
۱- مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	بحر هزج مَثْمَن سالم	۲۱
۲- مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع	بحر رجز مَثْمَن منحور	۱۲
۳- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مَثْمَن سالم	۱۱
۴- مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن	بحر هزج مَثْمَن اصلم	۴
۵- مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن	رجز مکفوف اصلم	۲
۶- مستفعلن فاعلاتن، مستفعلن فاعلاتن	مجتث مَثْمَن سالم	۴
۷- مستفعلن فاعلاتن مفاعیلن فع لن	مجتث مَثْمَن	۴
۸- مستفعلن فعلات مستفعلن فع لن	مجتث مَثْمَن اخرب اصلم	۱
۹- مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مَثْمَن مقبوض	۵
۱۰- مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن	رجز مَثْمَن مکفوف اصلم	۲
۱۱- مستفعلن مستفعلن فع لن		۱
۱۲- مستفعلن مستفعلن فعلات		۱
۱۳- مستفعلن مفاعیلن مفعولن		۲
۱۴- مستفعلن مفاعیلن فعولن، مستفعلن مفاعیلن فعولن		۲
۱۵- مفاعیلن فعلاتن فع، مفاعیلن فعلاتن فع		۱
۱۶- مفاعیلن فع لن، مفاعیلن فع لن، مفاعیلن فع لن		۲
۱۷- مفعول فاعلات مفعولن، مفعول فاعلات مفعولن		۱
۱۸- مفعولاتن مستفعلن، مفعولاتن مستفعلن		۱
۱۹- فاعلاتن مفاعیلن فع لن، فاعلاتن مفاعیلن فع لن		۱
۲۰- مفعول مفاعیلن فعولن، مفعول مفاعیلن فعولن		۱

۱		۲۱- فاعلات مفعولات، فاعلات مفعولات
۲		۲۲- مستفعّلن مفاعّلن فع لن، مستفعّلن مفاعّلن فع لن
۱		۲۳- مستفعّلن مفاعیلن، مستفعّلن مفاعیلن
۱		۲۲- مستفعّلاتن مستفعّلاتن مستفعّلاتن
۱		۲۵- مستفعّلن مفاعّلن مفعولن، مستفعّلن مفاعّلن مفعولن
۱		۲۶- مستفعّلن فاع، مستفعّلن فاع، مستفعّلن
۲		۲۷- مستفعّلن مستفعّلن فع لن، مستفعّلن مستفعّلن فع لن
جمع : ۸۷		

حسین منزوی ترجیح می دهد عبارات و مفاهیم ذهنی خود را ابتدا در وزن " مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن " بحر (مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف) بیاورد؛ این بحر مورد علاقه ی اوست و بیشترین بسامد و حدوداً ۲/۱۲ درصد از کلّ اشعار بررسی شده را در بر می گیرد. جالب توجه است اشعاری که در این بحر سروده است. مطلع یکی از زیباترین غزل هایش را که در این بحر سروده، برای نمونه می آوریم:

ترسم که موج فتنه دلم را به خون کشد
وین کشتی شکسته به کام اندرون کشد

(منزوی، ۱۳۷۳: ۱۵۱)

دوّمین وزنی که مورد توجه و استقبال شاعر واقع شده وزن "مفاعّلن فعّلاتن مفاعّلن فع لن" بحر (مجتّث مثنیٰ مخبون اصلم) است. که حدود ۳/۹ درصد از کلّ غزلیات را به خود اختصاص می دهد. زن جوان غزلی با ردیف آمد بود که در صحیفه ی تقدیر من مسود بود

(منزوی، ۱۳۷۶: ۲۳۴)

از میان تقریباً ۶۰ بحر عروضی به کار رفته در شعر منزوی، بحر "مقارِب" (فعولن) و بحر "مشاکل" (فاعلاتن مفاعیلن فعولن)، کمترین بسامد را دارد و تنها ۲/۰ درصد از کلّ اشعار را در بر می گیرد.

بیش از ۸٪ از اشعار او در اوزان جدید سروده شده است. در یک نگاه کلی به نمودار زیر می توان گفت منزوی برای سرودن اشعارش از تقریباً ۹۰ وزن و ۹ بحر-با زحافات آن- سود جسته است که به ترتیب درصد عبارتند از:

۹/۲۳٪	۱- بحر مضارع :
۲۰٪	۲- بحر مجتث :
۶/۱۹٪	۳- بحر رمل :
۴/۱۷٪	۴- بحر هزج :
۶/۵٪	۵- بحر رجز:
۹/۲٪	۶- بحر خفیف :
۳/۱٪	۷- بحر منسرح :
۰/۹٪	۸- بحر متقارب :
۰/۲٪	۹- بحر مشاکل :
۲/۸٪	اوزان جدید:

۳-۲ - بهره‌وری از کیفیت و کمیت هجاها:

حسین منزوی در انتخاب هجاهای کوتاه و بلند دقت خاصی داشته است. وی با استفاده‌ی مناسب از هجاهای کوتاه یا بلند، خواننده را در حالت‌های گوناگونی که مد نظر دارد با خود همراه می‌کند. مثلاً در شعر زیر وجود هجاهای بلند سبب می‌شود خواننده علاوه بر تفکر و تأمل، احساس غم و اندوه کند، چرا که «تأمل، محتاج سکون و آهستگی است. هجاهای بلند در بافت شعر با چنین حالتی سازگار است» (یوسفی، ۱۳۶۳: ۱۰۳).

شب که می‌رسد از کناره‌ها	گریه می‌کنم با ستاره‌ها
وای اگر شبی ز آستین جان	بر نیاورم دست چاره‌ها
همچو خامشان بسته ام زبان	حرف من بخوان از اشاره‌ها
قصه‌ی مرا بشنوی تو هم	بشنوند اگر سنگ خاره‌ها
ما زاسب و اصل اوفتاده ایم	ما پیاده ایم ای سواره‌ها
ای لهیب غم آتشم مزین	خرمنم مسوز از شراره‌ها
دور بسته را فصل خسته را	دوره می‌کنم با دوباره‌ها

(منزوی، ۱۳۷۱: ۳۴)

شاعر، گاهی از هجاهای بلند برای القای حس غم و اندوه استفاده کرده است همان‌طور که گفتیم منزوی از کیفیت هجاها به خوبی بهره می‌گیرد مثلاً در شعر زیر شاعر با استفاده از هجاهای بلند، فضایی مملو از شکوه و شکایت ایجاد می‌کند.

تقدیرم این‌گونه است کارگل به جای کاردل آری
اینک منم تکرار سعدی در طرابلس‌های بیگاری
(منزوی، ۱۳۸۰: ۱۲۷)

نقش هجاهای بلند در رساندن مفهوم عاطفی دریغ و حسرت، در بیت زیر کاملاً محسوس است. منزوی به عنوان یک شاعر هجا شناس، با ترکیب مناسب این هجاها، فضای یأس و ناامیدی را بر شعر حاکم می‌کند. «یکی دیگر از جوانب موسیقی کلمات این است که ساختار آوایی کلمه، خود علاوه بر نقش معنایی و رسانگی خویش، از رهگذر مجموعه‌ی اصوات به گونه‌ای غیر مستقیم، مفهوم مورد نظر شاعر را ابلاغ می‌کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۱۸)

کاشکی می‌شد بدانم تا کجاها می‌برد
این نسیمی کز نفس‌های تو ما را می‌برد

(منزوی، ۱۳۷۳: ۱۶۴)

ترکیب درنگ و هجای بلند در بیت زیر ما را به تأمل وا می‌دارد. شخصی می‌گوید اندکی صبر می‌کند تا پاسخ بشنود. تقابل سکوت و صدا را در این بیت احساس می‌کنیم به گونه‌ای که نمی‌توانیم تمام بیت را پشت سر هم و بدون وقفه بخوانیم.

چیزی بگو، بگذار تا هم صحبتت باشم لختی حریف لحظه‌های غربتت باشم

(منزوی، ۱۳۷۷: ۱۱۴)

تکرار هجای بلند "این" در بیت زیر علاوه بر غنای موسیقی، می‌تواند نوعی هشدار و تحذیر را به خواننده القا کند.

گور شد گهواره آری بنگرید اینک زمین را این دهان وا کرده غرآن ازدهای سهمگین را

(منزوی، ۱۳۷۱: ۱۵۵)

مصراع‌های شعر حسین منزوی از نظر کمیت و تعداد هجا، بسیار متنوع است. کوتاه‌ترین مصراع‌ها از یک و در بیشتر موارد از دو هجا تشکیل می‌شود و طولانی‌ترین آن به سی و سه هجا می‌رسد. مصراع‌های کوتاه را کلمات عاطفی می‌سازد که با وجود کوتاهی به اندازه‌ی مصراع‌های بلند ذهن خواننده را به خود مشغول می‌کند. در زیر نمونه‌ای از کوتاه‌ترین و بلندترین مصراع را آورده‌ایم.

کوتاه‌ترین مصراع:

دل

ضرب نا مساوی

می زند

یک پیشرفت در موسیقی

یا یک ابتدا

(منزوی، ۱۳۸۵: ب: ۵۴)

برای سکوتی همیشگی

بلندترین مصراع:

زنی با سوزهای آشنای غربتی دلگیر که از هر جا به سوی غربت خود می‌کشد دامن

(منزوی، ۱۳۷۶: ۱۱۲)

۳- ۴ - بهره‌گیری از اوزان متعارف و نامتعارف

توجه به خواص و شناخت کامل وزن‌ها، برای شاعر بسیار اهمیت دارد. حسین منزوی از معدود شاعرانی است که نه تنها اسیر محدودیت وزن نشده، بلکه از انواع وزن چه رایج و چه غیر رایج و حتی ابداعی در شعرش بهره برده است. وی با نبوغ حیرت‌انگیزی وزن‌های عروضی متعارف، نامتعارف و جدید را برای اندیشه‌های خود به کار می‌گیرد. او با کمک تجزیه و ترکیب اوزان معمول و شناخته شده، اوزان جدیدی کشف می‌کند و پا به پای سیمین بهبهانی و شاید پیشگام‌تر از او به تنوع وزنی و ریتمیک غزل فارسی نائل می‌گردد.

با نگاهی به جدول زیر پی می‌بریم که منزوی قریب ۹۰٪ وزن را در اشعارش به کار برده است که بیش از ۸٪ آن‌ها در اوزان نامتعارف و جدید است. او تقریباً ۴/۱۰ درصد اشعارش را در اوزان متعارف سالم مانند هزج، رمل، رجز، مقارب و حدود ۸۰٪ را در اوزان متعارف دوری سروده که از این میان، بیش از ۳۰٪ وزن نامتعارف و کم کاربرد است.

استفاده اوزان کم کاربرد اخیراً در میان غزلیات شاعران معاصر دیده شده است. بلندترین وزن معمول، مشتمل بر ۲۰ هجاست. این گونه وزن‌ها در شعر فارسی چندان معمول نیست و اگر شاعری گاهی به آن‌ها رغبت کرده است، کار او از نوع تفنّن شمرده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که این تفنّن را نخست سلمان ساوجی ابداع کرده است (خانلری، ۱۳۳۳: ۳۳۴).

منزوی در مقدمه‌ی کتاب *از شوکران و شکر*، استفاده از اوزان کم کاربرد را مخلّ معنا می‌داند و در ضمن آوردن تمثیلی می‌گوید: «بنده نظرم این است که تنها مزیت این وزن‌ها، همان نامتعارف بودنشان است و گرنه جز نقض غرض نیست. خواننده‌ی شعر باید دو سه بار، غزل را بخواند تا وزنش را در یابد و سپس در بار چهارم، در پی دانستن این باشد که شاعر، در این وزن غریب چه حرفی زده است؟ چه اصراری است که اسب آزموده و رام را کنار بگذاریم و زین بر توسن لگد زنی بگذاریم که تنها مزیتش در این است که قبلاً کسی از آن سواری نگرفته» (منزوی، ۱۳۷۳: ۲۴). منزوی مصراع را تا آن جا ادامه می‌دهد که سخنش تمام شود. در واقع او وزن را در قالب کلمات می‌ریزد نه کلمات را در قالب وزن.

رنج گرانم را به صحرا می‌دهم صحرا نمی‌گیرد اشک روانم را به دریا می‌دهم دریا نمی‌گیرد
تا در کجا بتکانم از دامان دل این سنگ سنگین را دلتنگی ام ای دوست بی‌تو در جهانی جا نمی‌گیرد

با سنگ ها می گویم آن رازی که باید با تو می گفتم سنگین دلا دستت چرا دستی از این تنها نمی گیرد
 ای تو پرستار شبستان تلخ بیماریم ، بیمارم عشقت چرا نبض پریشان حیاتم را نمی گیرد...
 (منزوی، ۱۳۷۳: ۸۳)

۳-۵ - نوآوری در وزن

منزوی در تجزیه ، ترکیب و به کار گیری افاعیل عروضی تبخر فراوان دارد. با نگاهی اجمالی به جدول زیر، متوجه می شویم ، این شاعر توانا با مطالعه در علم عروض بر همه ی اوزان عروضی تسلط داشته و علاوه بر آن به نوآوری و ابداع پرداخته است. شاعر با سرودن غزل های شور انگیزی در قالب این اوزان طبع آزمایی می کند.

منزوی در آثار خود از اوزان جدید بهره برده است. او خود را در بند وزن احاطه نمی کند. گاه مصراع را آن قدر طولانی می کند تا معنی کامل شود و به همین جهت بعضی اوزان شعر او نفس گیر هستند. خودش می گوید: «حرف من هر جا که تمام شد ، غزل من هم تمام می شود» (منزوی ، ۱۳۷۵: ۲۱).

جدول اوزان جدید

وزن	غزل	مثنوی	رباعی	درصد
۱- مستفعّلن مفاعّلن فع لن، مستفعّلن مفاعّلن فع لن	۱			۲/۰
۲- مستفعّلن مفاعیلن مستفعّلن مفاعیلن	۱			۲/۰
۳- مفاعّلن فعلاّتن فع، مفاعّلن فعلاّتن فع	۲			۳/۰
۴- مفعول فاعلاّت مفعولن مفعول فاعلاّت مفعولن	۱			۲/۰
۵- مستفعّلن مستفعّلن مستفعّلن مستفعّلن فع لن	۲			۳/۰
۶- مفاعیل فع لن مفاعیل فع لن مفاعیل فع لن	۱			۲/۰
۷- مستفعلاّتن مستفعلاّتن مستفعلاّتن	۱			۲/۰
۸- مستفعّلن، مفاعّلن، مفعولن، مستفعّلن، مفاعّلن، مفعولن	۱			۲/۰
۹- مستفعّلن فاع، مستفعّلن فاع، مستفعّلن	۲			۳/۰
۱۰- مفاعیل فع لن، مفاعیل فع لن	۱			۲/۰
۱۱- مفعولاّتن مستفعّلن، مفعولاّتن مستفعّلن	۱			۲/۰

۲/۰			۱	۱۲- فاعلات فاعلات فع، فاعلات فاعلات فع
۳/۰		۱	۱	۱۳- مستفعلن مستفعلن فع لن، مستفعلن مستفعلن فع لن
۲/۰			۱	۱۴- مستفعلن مفاعلهن فعولن، مستفعلن مفاعلهن فعولن
۲/۰			۱	۱۵- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع
۲/۰			۱	۱۶- مستفعلن مستفعلن فع لن
۲/۰			۱	۱۷- مفعول، مفعولن، مفاعلهن
۲/۰			۱	۱۸- مفعول، فاعلات فاعلات، فع لن
۲/۰			۱	۱۹- فاعلات، مفاعلهن، فاعلات
۲/۰			۱	۲۰- مفتعلن مفاعلهن فعولن
۳/۰		۱	۱	۲۱- مستفعلن مستفعلن فاعلات
۲/۰			۱	۲۲- مستفعلن مفاعلهن مفعولن
۲/۰			۱	۲۳- فاعلات، مفعولات، فاعلات، مفعولات
۲/۰			۱	۲۴- فاعلاتن مفاعلهن فع لن، فاعلاتن مفاعلهن فع لن
۲/۰			۱	۲۵- مفتعلن فعولن مفتعلن فعولن
۲/۰	۱			۲۶- مفعولن فاعلات مفعولن فع
۲/۰			۱	۲۷- مفاعلهن فاعلهن مفاعلهن فاعلهن
۲/۰			۱	۲۸- فاعلات مفاعلهن مفاعلهن
۲/۰			۱	۲۹- مفعول مفاعلهن فعولن، مفعول مفاعلهن فعولن
۳/۰			۲	۳۰- مفاعلهن فعولن، مفاعلهن فعولن
۶/۲	۵	۷		۳۱- مفعول مفاعلهن فعولن فع لن
۲/۰			۱	۳۲- مفعول فاعلات مفاعلهن

البته سابقه‌ی کاربرد استفاده از اوزان کم کاربرد و نو را به سیمین بهبهانی داده‌اند، حال آن‌که منزوی در مقدمه‌ی کتاب *از شوکران و شکر* با عبارات اعتراض آمیز خود بر این عقیده است که: «خانم بهبهانی در غزل‌های بعد از رستاخیز شروع به تجربه در وزن‌های غیر متعارف (به قولی اوزان نامطبوع) کردند... [در حالی

که [من در سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ پاره ای از این اوزان را آزمودم ... و نتیجه اش هم بد نبود]. (منزوی، ۱۳۷۳: ۲۴). بنابراین با توجه به شواهد موجود، ما می توانیم منزوی را ابداع گر این اوزان بدانیم. اگر چه بعضی از این اوزان با ۱۰ و ۱۲ رکن قبل از منزوی نیز کاربرد داشته است، با این حال نو آوری منزوی در ترکیب و تنوع چیدمان اوزان قابل توجه است.

در میان غزل های او به وزن های مختلفی بر می خوریم که اغلب آن ها ۱۲ رکن دارند. شمار هجاهای هربیت بین ۳۰، ۳۶، ۴۰، ۴۴ هجا در نوسان است.

در چشم های شعله ورت آن روز چیزی فرو نشسته و سرکش بود

چیزی هم از قبیله ی خاکستر چیزی هم از سلاله ی آتش بود

مفعول فاعلات مفاعیلن (۲ بار)

(منزوی، ۱۳۷۶: ۲۳۳)

از چشم های عشق چه می خواهید ای ابر های بغضی بارانی

بر گونه های دوست چه می بارید ای اشک های طاغی طوفانی

مفعول فاعلات مفاعیلن (۲ بار)

(منزوی، ۱۳۷۷: ۹۶)

شهر منهای وقتی که هستی، حاصلش برزخ خشک و خالی

جمع آینه ضرب در تو، بی عدد صفر بعد از زلالی

فاعلاتن مفاعیلن فع لن (۲ بار)

(منزوی، ۱۳۸۰: ۹۳)

ای عشق ما با تو از وادی جادوان هم گذشتیم

از شیر غرآن و از ازدهای دمان هم گذشتیم

مستفعلن فاع (۳ بار)

(منزوی، ۱۳۷۷: ۱۳۰)

زنی که صاعقه وار آنک ردای شعله به تن دارد

فرو نیامده خود پیداست که قصد خرمن من دارد

مفاعیلن فعلاتن فع (۲ بار)

(منزوی، ۱۳۷۳: ۴۷)

همچنین در میان اشعار او به غزل‌هایی برمی‌خوریم که از ۱۰ ارکن تشکیل شده و هر بیت، ۲۸، ۳۶، ۴۰ هجا دارد. برای آشنایی بیشتر به جدول اوزان بلند و جدید بنگرید. (همین اثر، صص: ۵۸ و ۵۴)

باغ خزانی توام ای یار که بی تو برگ و بار ندارد
وقتی تو نیستی گل سرخم تقویم من بهار ندارد

مستفعلن مفاعلهن مستفعلن مفاعلهن فعلاتن

(منزوی، ۱۳۷۱: ۱۰۳)

رنج گرانم را به صحرا می دهم صحرا نمی گیرد
اشک روانم را به دریا می دهم دریا نمی گیرد

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن

(منزوی، ۱۳۷۳: ۸۳)

به اندازه ی عشق جا داشت اتاق تو و خانه ی تو
پذیرای تنهاییم شد تن مهربانانانه ی تو

مفاعیل فع لن (۳ بار)

(منزوی، ۱۳۷۱: ۱۶۷)

خیال خام پلنگ من به سوی ماه جهیدن بود
و ماه را ز بلندایش به روی خاک کشیدن بود

مفاعلهن فعلاتن فع (۲ بار)

(منزوی، ۱۳۷۲: ۱۹۵)

(منزوی، ۱۳۷۱: ۱۷۹)

وقتی تو در می زنی من دلم پر می زند

مستفعلن فاعلهن (۲ بار)

(منزوی، ۱۳۷۱: ۱۳۵)

در خود خروش‌ها دارم چون چاه اگر چه خاموشم

مفعول فاعلاتن فع (۲ بار)

یادی است در همیشه ی ذهنم آن گیسوان خیس معطر
(منزوی ، ۱۳۸۰: ۲۱)
مفعول مفاعیل فعولن (۲بار)

تقدیرم این گونه است کار گل به جای کار دل آری
(منزوی ، ۱۳۸۰: ۱۲۷)
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن

گنجشکک من پر بزن در زمستانم لانه کن
(منزوی، ۱۳۷۳: ۲۳)
مفعولاتن مستفعلن (۲بار)

شب که می رسد از کناره ها
(منزوی ، ۱۳۷۱: ۳۴)
فاعلات فع (۲ بار)

شاعری که به شیوه سنتی شعر می سراید، باید تمام ضوابط و قواعد شعر مانند وزن، قالب و تساوی مصراع‌ها را از نظر تعداد افاعیل عروضی، مراعات کند، یعنی هر مصراع باید با مصراع دیگر بیت، از نظر تعداد و ترتیب هجاها و ارکان برابر باشد. یکی از مهم ترین اختصاصات موسیقی بیرونی شعر حسین منزوی ، برهم زدن تساوی طولی مصراع‌های داخلی، در غزل و چهارپاره است . در شعر زیر شاعر، در رکن چهارم به جای تکرار "فع لن"، "مفتعلن" آورده است.

چه نیازی دارم که به من حرفی بزنی	که سخن ها دارد نگهت در بی سخنی
چه گناهی دارم که تو را عاشق شده ام	تو گنه کاری تو که شدی عاشق شدنی
تو به من نزدیکی غم من هستی شاید	تو نهانی در من تو منی اصلاً تو منی
فعلاتن، فع لن، فعلاتن، مفتعلن	فعلاتن، فع لن، فعلاتن، مفتعلن

(منزوی ، ۱۳۷۳: ۲۵)

نتیجه گیری

با مطالعه در آثار حسین منزوی نتیجه می‌گیریم که شعر او در شمار آثار خوب و خواندنی معاصر بوده، به نوعی نماینده ی غزل معاصر است. وی در شاعری و حتی نویسندگی از قدرت بالایی برخوردار است. اشعار دلنشین و پرشورش بیانگر احساسات و عواطف و افکار اوست. علاوه بر این، پی می‌بریم که منزوی شاعری نوآور در عرصه ی موسیقی بیرونی و تجزیه و ترکیب افعیل عروضی است. اشعار او منبع ارزشمندی برای دستیابی به نمونه های اوزان جدید و اوزان بلند و همچنین گنجینه ای از انواع صنایع بدیعی لفظی، معنوی و آوایی - هارمونی است.

کتابنامه:

- ۱- خواجه نصیر الدین طوسی. (۱۳۶۳). معیار/الاشعار. تهران: انتشارات ناهید.
- ۲- خانلری، پرویز. (۱۳۳۳). نغمه ی حروف. مجله سخن شماره ی پنجم.
- ۳- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۶). شعر بی دروغ شعری بی تقاب. چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی.
- ۴- شفیعی کدکنی. (۱۳۷۳). موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه.

- ۵- شفیعی کدکنی، محمد رضا: (۱۳۸۵). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگاه.
- ۶- منزوی، حسین. (۱۳۸۷). *از ترمه و تغزل تهران*: انتشارات روزبهان.
- ۷- _____ (۱۳۷۳). *از شوکران و شکر*. تهران: انتشارات آفرینش.
- ۸- _____ (۱۳۷۷). *از کهریا و کافور*. تهران: انتشارات زمان.
- ۹- _____ (۱۳۸۰). *این کاغذین جامه*. تهران: انتشارات نغمه.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۵). *با عشق تاب می آورم*. بندرعباس، انتشارات چی چی کا.
- ۱۱- _____ (۱۳۷۵). *با سیاوش از آتش*. تهران: انتشارات پاژنگ.
- ۱۲- _____ (۱۳۷۱). *با عشق در حوالی فاجعه تهران*: انتشارات پاژنگ.
- ۱۳- _____ (۱۳۸۵ ب). *به همین سادگی*. تهران: آفرینش.
- ۱۴- _____ (۱۳۸۱). *تغزلی در باران تهران*: انتشارات نیستان.
- ۱۵- _____ (۱۳۸۷). *حنجره زخمی تغزل*. تهران: انتشارات آفرینش.
- ۱۶- _____ (۱۳۸۴). *دیدار در متن یک شعر*. تهران: انتشارات آفرینش.
- ۱۷- _____ (۱۳۵۸). *صفرخان*. تهران: انتشارات چکیده.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۲). *فانوس های آفتابی*. تهران: انتشارات آفرینش.
- ۱۹- _____ (۱۳۸۴). *همچنان از عشق*. تهران: انتشارات آفرینش.
- ۲۰- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۳). *یادداشت هایی در ادب و تاریخ*. تهران: انتشارات یزدان.